

چند اظهار نظر در مورد مقاله راه کارگر، چریک سخنگوی بورژوازی

بیژن هیومن پور

آذر ۱۳۶۴ (نوامبر ۱۹۸۵)



<https://bijan.hirmanpour.net>

۱. برخورد نیم بند سازمانهای مختلف یا تحلیلهای سطحی از جنگ کومه‌له و حزب دموکرات به کومه‌له این فرصت را داده است که مبارزه ایدئولوژیک را به عرصه‌ای بکشاند که هر بار تا حدود زیادی پیروز از آن بیرون بیاید.
۲. برخورد راه کارگر در میان این تحلیلهای از همه رسواتر و در نتیجه کومه‌له برای به نقد کشیدن آن مشتاق‌تر است.
۳. اینکه راه کارگر از روز اول طرف حزب دموکرات را گرفت، حرف درستی است و افشاء این مطلب یک امتیاز بنفع کومه‌له است.
۴. اینکه راه کارگر در پیشرفت جنگ و عریده جوئیهای حزب دموکرات و هواداری خود از این حزب دچار مشکلاتی شد که ناچار بود با نازک‌کاریهای تئوریک بنحوی بر آنها سرپوش بگذارد نیز حرف درستی است و نشان دادن آن نیز، اگرچه بنحوی معیوب که بهتر از آن از «مارکسیسم انقلابی» برنمی‌آید، باز امتیازی است بنفع کومه‌له.
۵. جائیکه راه کارگر به بررسی یاوه‌گوئیهای حزب دموکرات درباره «اقلیت» و «اکثریت» میپردازد خود کافیس‌ت تا به کومه‌له فرصت دهد (البته بسبک خودش) به معلم درس دموکراسی تبدیل شود.
۶. اینکه راه کارگر به دلیل بودن حزب دموکرات در جنبش خلق کرد برای کومه‌له حدّ تعیین میکند و اصطلاح کشدار «تبلیغات خصمانه» (اصطلاحی که با شکلی کم و بیش مشابه در نوشته‌های اخیر سازمان ما هم دیده میشود) را برای تعیین این حدّ بکار میبرد، باز به کومه‌له فرصت میدهد تا مزخرفات همیشگی‌اش را در مورد پوپولیسم و تجربه خمینی تکرار کند.
۷. خلاصه به یمن اپورتونیسیم سازمانهای مدعی کمونیسم، کومه‌له توانسته است به یکی از هدفهای خود در موضعگیری نسبت به حزب دموکرات برسد به این معنا که توانسته است لااقل بطور موقت بر بحرانی که با پذیرش قطعی «مارکسیسم انقلابی» و اثبات بی‌پایگی ادعاهای تئوری پردازان این «مارکسیسم انقلابی» برای ایجاد یک حزب کمونیست سراسری در جریان واقعیات دو سال گذشته دامنگیر کومه‌له کرده است، سرپوش بگذارد.
۸. هر تحلیلی که بتواند با تکیه بر شرایط عینی مبارزه در کردستان و بطور کلی در سطح ایران نشان دهد که چه عامل یا عواملی باعث شده است که کومه‌له با گذاشتن تحلیل بورژوازی روی حزب دموکرات خواهان درگیریهای محلی و پراکنده مسلحانه با حزب دموکرات باشد (و این امر را کومه‌له حتی در تحلیل خود از هدفهای ۶ بهمن به مقرر حزب دموکرات در اورامان صراحتاً اعلام کرده است) و کدام بن‌بست تئوریک و پراتیک کومه‌له را به اینجا کشانده است و از سوی دیگر نشان ندهد که چه عامل یا عواملی حزب دموکرات را به خواستن جنگ سراسری و با گذاشتن تحلیل پوپولیستی با کومه‌له واداشته است (امری که صراحتاً حزب دموکرات در دستور کار خود قرار داده) به هیچ‌وجه نمیتواند به ریشه‌یابی این جنگ بپردازد.

۹. تازه این ریشه‌یابی نیز کافی نیست. وقتی ساختمانی در دست حریق است، جستجوی علت ایجاد حریق و توضیح آن به‌هیچ‌وجه دردی از کسانی که در معرض نابودی هستند دوا نمیکند و اغلب این ریشه‌یابی در مقابل نیازهای عملی یعنی رام کردن حریق و نجات حریق‌زدگان در مرحله دوم اهمیت قرار میگیرد. فعلاً در این جنگ نخستین کاری که باید کرد برقراری آتش بس است و ما با کومه‌له‌ای روبرو هستیم که پیشنهاد آتش بس فوری و بی‌قید و شرط را میدهد و دموکراتی که برای این آتش بس شرایط بیشرمانه‌ای تعیین کرده که حتی راه کارگر هم، و یا رسواتر از آن، «کار تتوریک» هم نمیتواند آنرا توجیه کند. اینجا یک سازمان جدی باید موضع یگیرد. حرفهائی از این قبیل که کارهای کومه‌له و حرفه‌های کومه‌له و تئوریهای کومه‌له و اهداف کومه‌له با این حرفش تناقض دارد (رجوع کنید به مقاله آبان ماه خودمان [چفخا]) و یا مانع از دوام آتش بس میشود، حرفهائی است که به بعد از این موضعگیری مربوط می‌شود. مخلوط کردن همه چیز با هم جز فرصت دادن به کومه‌له برای میداننداری و مبارز طلبی در جریان مبارزه ایدئولوژیک حاصل دیگری ندارد.

۱۰. میتوان وارد این بحث نشد ولی این واقعیتی است که اگر کومه‌له واقعاً خواهان آتش بس فوری نبود هیچ دلیلی نداشت که این شعار را بدهد و آنقدر روی آن تبلیغ کند چرا که مسأله بسیار روشن است. سازمانی که بواقع ادامه جنگ را میخواهد خودش را با چنین هشیاری، دست بسته، در اختیار حریف قرار نمیدهد. اگر کومه‌له واقعاً خواهان ادامه جنگ بود، دادن چنین شعاری از طرف او دیوانگی صرف بود چون هر لحظه امکان دارد که حزب دموکرات اعلان پذیرش این شعار را بکند. آنگاه کومه‌له در چه موقعیتی قرار میگرفت؟